

Sa Date:

Su Subject:

Mo

Tue

Wed

Thu

Fri

حقوق اساسی ۱

گردد آورنده: محمد امین شریفی

استاد: دکتر کاظمی

Sa Date: 1

Su Subject:

Mo

Tue

Wed

Thu

Fri

## حقوق اساسی

حقوق ← مجموعه قواعد و مقررات برای نظم اجتماعی و اجرای عدالت

حرف اولی حرف غایی

طبقه تعریف مذکور این حقوق فقط در اجتماع وجود دارد.

این حقوق باید ضمانت اجرا داشته باشند که این ضمانت از طرف دولت است

که این قوانین و مقررات الزام آور است.

ابتدای ترین فکله در تعریف **اجتماعی** است زیرا تا اجتماع نباشد این مجموعه

قوانین وجود نخواهد داشت.

انسان نیازهایی دارد که برطرف کردن بعضی از این نیازها حتماً در اجتماع حقوق

نیاز خواهد بود در این قضایا کسی قدرتش بیشتر باشد می تواند نیازهای بیشتری را

برطرف کند پس جامعه مثل خنجر می شود. می برای اینکه جامعه دچار چنین مشکلی نشود

نیاز به قوانین و مقررات دارد. می هر چه نیازها متنوع تر شود قوانین هم متنوع

می شود زیرا قوانین باید بر طبق نیازها باشد.



نکته مهم!

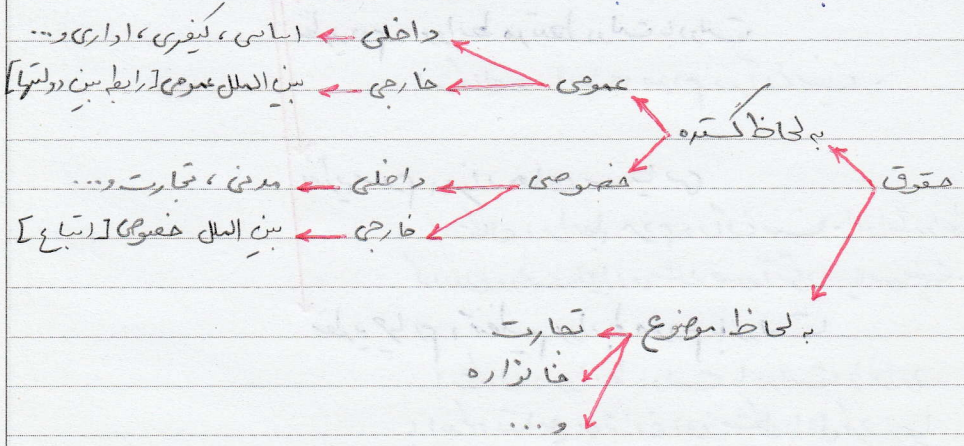
متغیر اصلی که نیست به آن کادر حقوقی شکل می‌گیرد **انسان** است.  
برای اینکه قوانین سازمان پیدا کند می‌آیند قانون نگار دست‌اندر‌اجرا می‌آید.  
قانون نگار یا حکومت [نمایندگای مردم هستند] پس بین مردم و حکومت رابطه وجود دارد.

همین رابطه بین مردم با مردم و حکومت با حکومت وجود دارد.

در رابطه‌ای مردم با مردم حقوق **خصوصی** است.

در رابطه‌ای مردم با حکومت یا دولت حقوق **عمومی** است.

در رابطه‌ای حکومت با حکومت حقوق **عمومی** است.



حقوق اساسی هم به رابطه حکومت به حکومت می پردازد و هم به رابطی حکومت

یا مردم.

تعریف حقوق اساسی ← حقوق اساسی اختیارات حکومت، وظایف و

اختیارات آن حقوق مردم و جلوه های ارتباط آنها با ملت است

موضوع حقوق اساسی ← نظریه ادله: قانون اساسی است که عنوان کلی از مهمترین منابع

حقوق اساسی

به دور لایه موضوع است؛ قانون اساسی اهم مسائل کل حقوق را

بحث می کند و فقط در مورد قانون اساسی بحث می کند.

برای فهم قانون اساسی فقط به قانون اساسی نمی پردازیم

بلکه ممکن است به عرف، شریعت و ... بپردازیم.

نظریه دوم: روابط مرتبط دولت با دولت

اشکال: رابطی مردم در آن نیست.

نظریه سوم: فزاید های سیاسی

اشکال: رابطی مردم در آن نیست. الزاماً روابطی

که درون دولت ایجاد می شود صرفاً فزاید سیاسی نیست.

نظریه چهارم: تنظیم روابط مردم با دولت

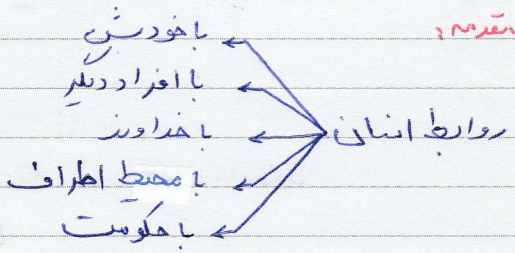
اشکال: روابط دولت با دولت و نهادها

با اندکی تامل می توان این مشکل را حل کرد زیرا



خود دولت حاکم از مردم تکلیف شده اند.

واضع قانون عادی ← مجلس  
 واضع قانون اساسی ← مجلس خبرگان

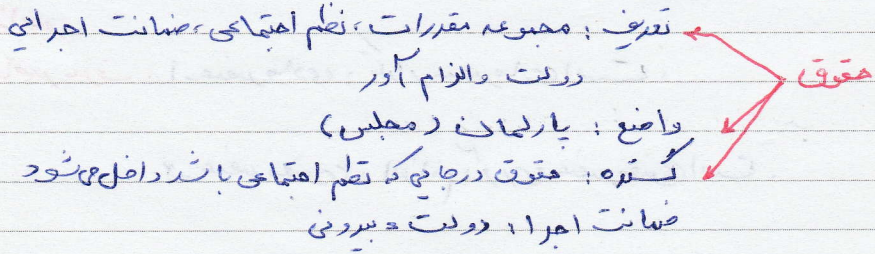


الزام آوری ← درونی  
 ← بیرونی = دولت

مبانی و اعتقادات ← ارزش و معیار ← برخی قانونی می شود  
 ضمانت اجرا دولت

بعضی قوانین نمی شود بلام اطلاق  
 ضمانت اجرا درونی

رابطه حق و حقوق:



Date: \_\_\_\_\_  
Subject: \_\_\_\_\_

**فقہ** ← تعریف: احکام شرعی برای مملکتین، الزام آور  
 واضع: شارع حکیم  
 گفته: فقہ تمامی روایط انسان را در بر میگیرد  
 ضمانت اجرا: الزام آوری درونی

**منابع حقوق اساسی**: منابع اساسی موجب باشند که این موم بودن از طریق مبانی معرفتی است.

منابع ← اراده انسان (عقل، تجربه، حس، عرف)  
 اراده شارع

**منابع حقوق اساسی** ← قانون اساسی  
 ← عرف  
 ← رویه قضایی  
 ← فرائض رهبری و...

**عرف** ← تکرار یک عمل در زمان طولانی و مشخص مطابق با منافع و مصالح توسط جمعی خاص

**عناصر عرف**: ۱- عنصر مادی: تکرار عنصر مادی است.

۲- عنصر معنوی: الزام آوری عنصر معنوی است.

نکته: عرف در نظام اسلامی حکم ساز نیست البته عرف به تنهایی.

حکماهی که قانون تصویب می شود این به سوال معارض می شود:

از کجا؟ منابع ← قانونی که تصویب شده از کجا آمده؟

چگونه؟ روش ← از چه روشی به این قانون دست پیدا کرده ایم؟

چرا؟ مبنا ← این قانون بر چه مبنایی تصویب شد؟

### رویه قضایی:

رویه قضایی چیست و با وحدت رویه چه تفاوتی دارد؟

رویه قضایی ← قضات نسبت به موضوع واحد نظرشان واحد است و متسا

شکلگیری رویه قضایی اتحاد است. [ رویه قضایی الزام آور نیست زیرا

قضات استقلال رأی دارند. ]

وحدت رویه ← نسبت به موضوع واحد نظرشان مختلف است و متسا شکلگیری

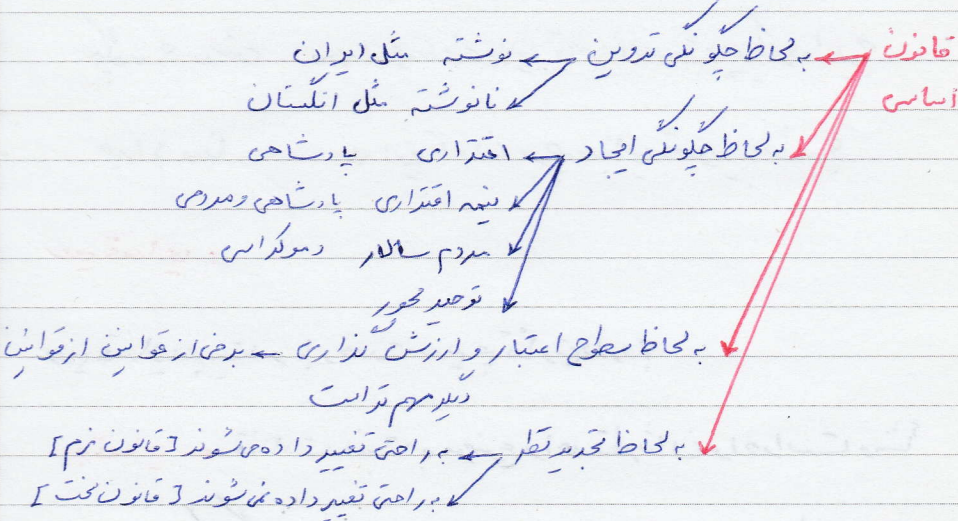
وحدت رویه اختلاف است. [ الزام آور است زیرا بر ای بر طرف

شدن اختلاف بوجود آمده است. ]



نقطه مهم ۱

روی قضایای هم ما تدبیر نمی توانیم جز در منابع حقوق اساسی باشد پس فقط  
 قانون جز در منابع حقوق اساسی است.



قانون جمهوری اسلامی ایران

نوشته، توحد محور، مخلط و محنت است

دولت ۱. مجموعه ای از افراد که به طور مستمر در یک سرزمین مشخص تحت قدرت

و مالکیت زمینی هستند [برخی فرمانبردار و برخی فرمانبرداران]. این معنای اعم دولت

است.



۲- سرزمین [خاک]، حواشی، دریایی [عقید اصلی تعریف] ← ۱- جمعیت

### ۳- حاکمیت (حکومت)

تعریف دولت ←

- ← اعم ← همان تعریف بالا
- ← عام ← قوای حاکم
- ← خاص ← قوه مجریه
- ← اخص ← حیات وزیران

### تفاوت حکومت و حاکمیت:

حکومت ← به سازمانها و نهادها گفته می شود

حاکمیت ← به قدرت برتر گفته می شود که داخلی و اعمال قدرت و توانایی تعامل در داخل کشور

حاکمیت توسط سازمانها و نهادها اعمال می شود. خارج از اعمال قدرت و توانایی تعامل با کشورهای دیگر

دولت ← ۱- دارایی و مرکز واحد و متحد سیاسی (سیاست) که تکلیف ساده یعنی قدرت کامل دست یک نفر است [ ]

تکلیف پیچیده ← عدم توانم

← محکم بودن مثل ایران

← وحدت انضمامی (قانون نزار واحد اما قانون نزار متفاوت)

← منطقه گراهی

هرچه از سمت تکلیف ساده بیرون بایستیم تفویض قدرت کمتر می شود.

Sa Date:  
Su Subject:  
Mo  
Tu  
We  
Thu  
Fr

۲- دارایی چند عملگر سیاسی (مترکب) → فدرال [ اتحاد دول ]

کنفدراسیون [اتفاق دول]

اتحاد واقعی

اتحاد شخصی

فدراسیون، ایحاد واقعی، ایحاد شخصی

سه نوع اکثر دولتهای مستقر هستند که با حفظ استقلال و با شدت اجزای در کنار هم قرار گرفته اند مانند ایران و افغانستان.

فدرال

دولت فدرال دولتهای مستقل نیستند بلکه فقط یک دولت وجود دارد که درون

دولتهای کوچکتری قرار دارد (مثل آمریکا که دارای ۵۰ دولت کوچک است).

ویژگیهای فدرال:

این دولتهای قانون اساسی مشترک دارند، یک قوه قضائیه بسیار

مقتدر، در روابط بین الملل به صورت واحد عمل میکنند، نیروی نظامی واحد

دارند و تحت نظارت دولت مرکزی است، بانک مرکزی واحد دارند

قانون اساسی واحد دارند اما در مناطق مختلف قوانین مختلف طبق قانون اساسی

واحد دارند.

نیم → پس دولت فدرال یک دولت واحد است که در آن ایالتیهای مختلف وجود دارد

که دولت مرکزی اختیارات زیادی به آنها میدهد.



Sa Date:  
Su Subject:  
Mo  
Tue  
Wed  
Thu  
Fri

چند نکته:

- در قدرت های بسط حاکمیت متمرکز است .

- متمرکزترین حالت ، تکلیف ساده است که تمام تصمیمات توسط یک نفر

گرفته می شود و در حال حاضر بحث می شود ضمنی حاکمیتی را در کشور یافته .

- در عدم ترازیم ، حیت هالم یک سری از تصمیمات را به قیمت های پایین

دستر و انذار می کند و هر چه پایین تره اهمیت یعنی در عدم تمرکز و وحدت انضمام

این تفویض قدرت میز می شود .

- در وحدت انضمام قانون تزار واحد اما قانونگذار را متفاوت است

یعنی قانون واحدی برای همه می قیمت حاصل می کند مثلاً برای مناطق جنوبی

قانون خاص صادر می کند .

- در منقطع تراسی اختیارات میز می داده می شود ، در موارد قبل فقط مباحث

اجرائی و اداری را تفویض می کرد اما در این مرحله برخی اختیارات

سیاسی را تفویض می کند .



درگاه هم توان گفت در حالست بسط اختیارات اجرایی و اداری و

زیرا سیاست تفویض می شود و از حالت متمرکز خارج می شود اما در  
مباحث قانون نزار هیچ نوع تفویض نداریم و یک مرکز عالم اعمال قدرت  
می کند.

در اتحادیه یک نفر از بین چند دولت انتخاب می شود و آن شخص تصمیم نزار  
است -

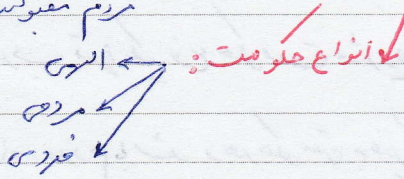
در اتحاد واقع یک نفر باعث نزدیک شدن چند دولت مستقل می شود و هیئت  
حقوقی هم تشکیل می دهد.

در فدرال [ مانند ایالات ] حق تفاوت قانون دارند و فدرال نزدیک ترین  
حالت به بسط است <sup>حالت</sup>

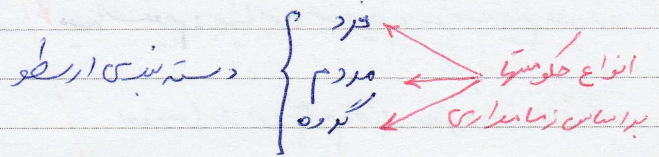
Se Date:  
Su Subject:  
Mo  
Tue  
Wed  
Thu

شرایط های سیاسی ← مبنای مشروعیت حکومت : اگر مبنای اراده ی شارع کفر و غیره

مشروعیت به یک صورت و اثر اراده ی مردم دانسته میشود و مشروعیت نوع دیگری دارد که مشروعیت مردم مقبولیت هم می آورد.



از لحاظ غربی آنچه مقبول است مشروع هم هست یعنی آنها اراده ی مردم را مشروع می دانند؛ اما در نظام اسلام حکومتی مشروعیت دارد که الهی و طبق اراده شارع باشد. پس انواع حکومت با مبنای مشروعیت سلسله می شود.



در ادبیات امروزی حکومت فردی و گروهی معنایی ندارد بلکه حکومت مردمی مشروع و مقبول است [ حکومت مردمی ]

دسته بندی ارسطو

بد	خوب	حاکمان
تیرانی	سلطنتی	فرد
انگاری	آریستوکراسی	گروه
دموکراسی	جمهوری	مردم



نکته: دموکراسی در مقابل مونوکراسی است.

دمو = مردم      مونی = فرد      کراسی = حکومت

در نظام حقوقی و سیاسی غرب تمایز یک نوع حکومت مشروع است حکومتی که بر پایه از خواسته های مردم باشد و هر حکومتی به غیر آن غیر مشروع [غیر مقبول] است.

شیوه های اجرایی دموکراسی [انواع دموکراسی] مستقیم: مستقیماً اراده ی مردم در اداره ی حکومت دخیل است.

نیمه مستقیم: بنیابین مستقیم و غیر مستقیم یعنی در بعضی موارد مردم هم اظهار نظر می کنند مانند پاریس.

غیر مستقیم: نمایندگان مردم بجای مردم در اداره ی حکومت دخیل هستند.



Date:

Subject:

Mo  
We  
Thu  
Fri

ویژگی های دموکراسی

اصول بنیادی دموکراسی و حق مشارکت همگانی

آزادی، برابری، چندگانگی سیاسی، رأی

الکثریت، حقوق اقلیت.

اصول تضمین کننده: تفکیک و توازن قوا،

تأویب قدرت، جایگاه قدرت، آراء طالبان

قانون، پاسخگویی و مامداری.

در دموکراسی اراده انسان و عقل انسان حاکم است، یعنی اراده شارع

کنار گذاشته شده پس حکومت ایران دموکراسی نیست هر چند در اصول

بنیادی و اصول تضمین کننده مشترک باشند.

ویژگی های کلیدی دموکراسی: دموکراسی از غریب سرچشمه می گیرد به این صورت که در یک

برهه زمانی دین و علم با هم مناقصه می دهند، دین کنار گذاشته می شود

و اراده و عقل انسان محور و حاکم می شود و در نهایت دموکراسی

شکل می گیرد پس دموکراسی را نمی توان در جامعه ای اسلامی بنیاده کرده



وقتی یک تقاضی در جامعه شکل می‌گیرد آداب رسوم را بنا می‌کنند تا سبب می‌کنند

تغییر در دهر [ جاگزین می‌کنند ]

تبدیل می‌کنند [ یعنی دو ستم را حفظ می‌کنند ولی معتقدار اعراف می‌کنند ]

ما تدر حلاله ثم صلا به معنای دعا بودی الان به معنای نماز است

### سه اصل دیگر برای دموکراسی

۱) استقلال درونی : عزت کاملاً مستقل است در انجام هر کاری در هر جا نسبت به

هر چیزی [ یعنی هر کاری دوست دارد در هر جا به انجام دهد ]

آزادی کامل ، البته در صورتی که به دیگران ضرر وارد نشود .

۲) مشارکت عمومی : دولت وظیفه دارد خرابی‌ها و بسترهای تصمیم‌گیری در حکومت

را فراهم کند .

۳) تأمین رفاه و امنیت و « دولت رفاه »

### نقد حکومتی‌های لیبرال دموکرات

۱- معارضین در میان خود معترض

۲- حالت ایدئولوژی مناسب با این حکومتها



Sa Date:  
Su Subject:  
Mo  
Tue  
Wed  
Thu  
Fri

۳- عدم صحت نسبت سنجی بین شرایط تاریخ، فرهنگ و... کشورها

۴- عدم صحت نسبت سنجی بین ادیان اسلام و مسیحیت

۵- لزوم تفکیک بین مقام تئوری و محل

۶- عدم تلازم بین دین بودن و استبداد بودن

۷- عدم تلازم بین حق در رأی اکثریت

۸- عدم تلازم بین ارزش شناسی و نقش رأی مردم و منشاء مشروعیت و حاکمیت

آنها.

۹- تأکید بر بشریت رفاه مادی و نه رشد معنوی

۱۰- عدم توانایی بر تفکیک دقیق حوزه شخص و اجتماعی

تفکیک قوا

مبنای تفکیک قوا:

مقدمه: قدرت فساد آور است و برای کنترل قدرت، از خود قدرت استقاده

میکنیم یعنی به وسیله تفکیک قوا.

Sa Date: \_\_\_\_\_  
Su Subject: \_\_\_\_\_  
Mo \_\_\_\_\_  
Tu \_\_\_\_\_  
We \_\_\_\_\_  
Th \_\_\_\_\_  
Fr \_\_\_\_\_

از منظر نظام اسلام آیا این بین فرض درست است؟

در ادبیات اسلام این گونه نیست که قدرت مناد آور باشد بلکه قدرت مقنن

و دست ساز فساد است پس این ملازمه می تواند محل اشکال باشد.

آیا این کنترل قدرت فقط از طریق خود قدرت است یا چیز؟

باید بگویم کنترل قدرت یا درونی است یا بیرونی. بیرونی مثل تعلیم قوا، درونی

مثل اشتراط صفات خاص مثل تقوا، عدالت، علم و... می توان گفت کنترل درونی

و بیرونی ملازم هم هستند.

**نکته:** تسلط قوا در نظام حقوقی غرب ارزش ذاتی دارد «موضوعیت دارد» امام

لحاظ اسلام ارزش ذاتی ندارد «طریقیست دارد».

**انواع تعلیم قوا:**

مطلق و بین قوا یک میزبندی مشخص است و هیچ دخالتی بین قوا نیست.

قوه مجریه نقش پررنگی دارد. ریاسته مثل آمریکا

شبه: قوه مقننه نقش پررنگ است مثل انگلستان یا آلمان

**تسلط قوا**

مختلط: همه چیز دست یک نفر است. اقتدارگرا، استبدادی مثل عربستان

تقیم وظایف هست اما نسیم قدرت نیست.



Sa Date:

Su Subject:

Mo

Tue

Wed

Thu

Fri

باتوجه به نوع و ارتباط بین قواعد این تکلیف ها ایجاد می شود

ایران مابین مطلق و نسبی است یعنی نسبی را نسبی - نسبی یا زمانی .